

مرحوم مشکینی اعلی الله مقامه می نویسد :

- ✓ اجماع داریم بر اینکه شماره (۲) و (۵) عرض ذاتی هستند.
- ✓ اجماع داریم بر اینکه شماره های (۶) و (۷) و (۸) عرض غریب هستند
- ✓ درباره شماره (۳) اختلاف دارند
- ✓ درباره شماره (۹) هم ظاهراً قبول دارند که عرض ذاتی است.
- ✓ به (۱۵) و (۱۱) هم توجه ندارند.

با این حساب، عرض ذاتی در نزد ایشان، یعنی آنچه عارض بر شیء می شود و مساوی با شیء است.

اما مرحوم آخوند خراسانی رحمه الله علیه همه اقسام، غیر از شماره (۱) را عرض ذاتی می داند. و عرض غریب در نگاه مرحوم آخوند، عبارت است : «آنچه به واسطه عروض، عارض بر شیء می شود».

نکته : سخن مرحوم آخوند برگرفته از کلام مرحوم حاجی سبزواری است که عین همین کلام را در حاشیه اسفار<sup>۱</sup>، مطرح کرده اند.

مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله علیه در حاشیه اسفار<sup>۲</sup>، عبارتی دارند که از آن استفاده می شود که عرض ذاتی را تنها شماره (۹) بر می شمارند.

در این باره، قطب رازی در شرح شمسیه<sup>۳</sup>، اساساً تعریف و تقسیم بندی دیگری را ارائه داده است.

\*\*\*

۱،۱،۳. نتیجه :

پس از تشریح دو مقدمه فوق (اینکه آیا علوم موضوع می خواهند؟ و اینکه معنای عرض ذاتی چیست؟) با توجه به آنکه گفتیم - تبعاً للامام الراحل - علوم احتیاجی به موضوع ندارند، ظاهراً می توان گفت که قول به «تمایز علوم به تمایز موضوعات است» منتفی می شود.

اما لو سلمنا که علوم احتیاج به موضوع دارند (چنانچه مرحوم آخوند خراسانی تقریر فرمودند) باز هم برخی (همانند مرحوم آخوند) اصرار دارند که تمایز علوم به تمایز موضوعات نیست:

✓ عبارت کفایه :

« أن موضوع کل علم و هو الذی یبحث فیہ عن عوارضه الذاتیة أی بلا بواسطة فی العروض هو نفس موضوعات مسائله عینا و ما یتحد معها خارجا و إن کان یغایرها مفهوما تغایر الکلی و مصادیقه و الطبیعی و أفراده و المسائل عبارة عن جملة من قضایا متشعبة جمعها اشتراكها فی الداخل فی الغرض الذی لأجله دون هذا العلم فلذا

۱. اسفار اربعه؛ ج ۱ ص ۳۲

۲. اسفار اربعه؛ ج ۱ ص ۳۱

۳. شرح شمسیه؛ ص ۱۵



قد يتداخل بعض العلوم في بعض المسائل مما كان له دخل في مهمين لأجل كل منهما دون علم على حدة فيصير من مسائل العلمين .

لا يقال على هذا يمكن تداخل علمين في تمام مسائلهما في ما كان هناك مهمان متلازمان في الترتب على جملة من القضايا لا يكاد انفكاكهما .

فإنه يقال مضافا إلى بعد ذلك بل امتناعه عادة لا يكاد يصح لذلك تدوين علمين و تسميتهما باسمين بل تدوين علم واحد يبحث فيه تارة لكلا المهمين و أخرى لأحدهما و هذا بخلاف التداخل في بعض المسائل فإن حسن تدوين علمين كانا مشتركين في مسألة أو أزيد في جملة مسائلهما المختلفة لأجل مهمين مما لا يخفى .

و قد انقدح بما ذكرنا أن تمايز العلوم إنما هو باختلاف الأغراض الداعية إلى التدوين لا الموضوعات و لا المحمولات و إلا كان كل باب بل كل مسألة من كل علم علما على حدة كما هو واضح لمن كان له أدنى تأمل فلا يكون الاختلاف بحسب الموضوع أو المحمول موجبا للتعدد كما لا يكون وحدتهما سببا لأن يكون من الواحد.»

✓ تقریری از کلام آخوند اعلی الله مقامه :

اشکال اول :

چرا موضوعات نمی توانند مائز بین علوم باشند؟

جواب :

در این صورت هر مسأله ای به جهت داشتن یک موضوع علی حده، باید یک جداگانه باشد.

اشکال دوم :

خوب همین اشکال در بحث غرض هم پیش می آید؛ چه آنکه هر مسأله ای هم دارای غرضی است که بر مسأله

دیگر مترتب نیست؛ در این صورت هر مسأله ای به جهت غرض جداگانه خود باید یک علم میشد!

جواب :

مراد از غرض، فایده مترتب بر هر مسأله نیست؛ بلکه مراد غرضی است که به واسطه آن مدوّن، علم را تدوین

میکند و این غرض در تمام مسائل یک علم مشترک بوده و متعدد نمی باشد.

ما می گوئیم :

اگر تمايز علوم به اغراض است ، در این صورت چه نیازی است که گفته شود که هر علمی باید دارای موضوع

باشد؟

